

A Pathology of the Arbaeen Pilgrimage¹

Shamsollah Mariji¹ 

1. Professor, Department of Social Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

Email: mariji@bou.ac.ir



Abstract

The collective Arbaeen pilgrimage, as a social norm of the Arbaeen visit, which is itself a cognitive element and the underlying layer of pure Shia culture, has numerous social and civilizational functions that are beneficial and essential not only for the Shia community but also for the human society. However, it should not be overlooked that fundamentally significant and impactful events in human society are equally susceptible to harm and may face obstacles that threaten their influence; this is because those with excessive demands stand against phenomena that hinder their individual and group interests and attempt to obstruct and damage their effectiveness if possible. The collective Arbaeen pilgrimage, as a significant cultural-social phenomenon, is no exception. This research aims to examine this phenomenon with a pathological approach, relying on the observations of the author and other researchers from the Arbaeen community, and present the findings to cultural scholars and policymakers. Some of the mentioned damages may serve as warnings and future studies

1. **Cite this article:** Mariji, Sh. (2024). A Pathology of the Arbaeen Pilgrimage. *Journal of Islam and Social Studies*, 12(45), pp. 7-37. <https://doi.org/10.22081/JISS.2024.69103.2085>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:**18/05/2024 • **Revised:**18/06/2024 • **Accepted:**21/07/2024 • **Published online:** 28/09/2024

© The Authors



to sensitize pilgrims and cultural policymakers to protect this valuable Hussaini blessing according to their responsibilities. Additionally, based on events and behaviors observed within the Arbaeen community and its vicinity, using the participatory observation method and gathered data, it was found that this great ritual phenomenon faces or may face in the future, challenges such as superficial ritualism, cultural discord and fragmentation, time limitations, and lack of continuity.

Keywords

Pathology, Arbaeen pilgrimage, superficiality, cultural discord, time limitations.

آسیب‌شناسی راهپیمایی جمعی اربعین^۱

شمس‌الله مریجی^۱

۱. استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

Email: mariji@bou.ac.ir



چکیده

راهپیمایی جمعی اربعین به‌عنوان هنجار اجتماعی زیارت اربعین که خود عنصر شناختی و لایه زیرین فرهنگ ناب شیعه است، کارکردهای اجتماعی و تمدنی فراوانی دارد که نه‌تنها برای جامعه شیعی، بلکه برای جامعه انسانی امری مبارک و ضروری است؛ اما این حقیقت را نیز نباید از نظر دور داشت که اساساً وقایع بزرگ و تأثیرگذار در جامعه انسانی به همان اندازه که بزرگ و با اهمیت هستند، به همان اندازه در معرض آسیب بوده و ممکن است با موانعی روبرو شده و تأثیرگذاری آن را تهدید کنند؛ زیرا زیاده‌خواهان در مقابل پدیده‌هایی که مانع رسیدن آنان به منافع فردی و گروهی باشند، ایستادگی کرده و تلاش می‌کنند تا در صورت امکان مانع آشکارشدن آن پدیده شوند و به کارآمدی آن آسیب وارد کنند. پیاده‌روی جمعی اربعین به‌عنوان یک پدیده عظیم فرهنگی-اجتماعی، از این امر مستثنی نیست. این تحقیق، می‌کوشد با تکیه بر مشاهدات نگارنده و دیگر محققان از جامعه اربعینی، این پدیده را با رویکرد آسیب‌شناختی، بررسی کند و نتیجه را در اختیار عالمان و سیاست‌گذاران امور فرهنگی قرار دهد. البته ممکن است در این میان برخی از آسیب‌های بیان‌شده، جنبه هشدار داشته و به نوعی آینده‌پژوهی شده تا زائرین و سیاست‌گذاران فرهنگی را نسبت به آن حساس کرده و هر کدام بر اساس وظیفه خود از این موهبت حسینی ارزش‌مند محافظت کنند.

۱. **استناد به این مقاله:** مریجی، شمس‌الله. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی راهپیمایی جمعی اربعین. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۲ (۴۵)، صص ۷-۳۷.
<https://doi.org/10.22081/JISS.2024.69103.2085>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷



البته در مواردی هم با توجه به رخدادها و رفتارهایی که در جامعه اربعینی و محدوده آن رخ می‌دهد، برای رسیدن به هدف مذکور با روش مشاهده مشارکتی، بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده، مشاهده شد که این پدیده بزرگ آیینی با آسیب‌هایی همچون: سطحی‌نگری مناسک گرایانه، تفرقه و تشتت فرهنگی، محدودیت و عدم استمرار و... مواجه شده یا در آینده ممکن است با آن مواجه شود.

کلیدواژه‌ها

آسیب‌شناسی، راهپیمایی اربعین، سطحی‌نگری، تفرقه فرهنگی، محدودیت زمانی.

مقدمه

زیارت اربعین براساس روایت امام حسن عسکری علیه السلام عنصر شناختی فرهنگ تشیع بوده^۱ و این عنصر به عنوان لایه زیرین فرهنگ دیگر اجزا و عناصر آن فرهنگ را تحت تاثیر مستقیم و غیرمستقیم خود قرار خواهد داد. راهپیمایی جمعی اربعین به عنوان هنجاری اجتماعی، در صورتی می‌تواند جامعه انسانی را از مواهب خود برخوردار کند که زائرین به معنای حقیقی در طریق الحسین علیه السلام قرار گرفته و از مشرب زلال معارف والای سالار شهیدان کربلا، نوش کرده و جان و جسم خود را به نور معرفت حسینی منور کنند. و الاً صرف حضور در میان انبوه جمعیت و حرکت به سوی مرقد مطهر بدون توجه به هسته مرکزی، یعنی مرام و مسلک عزیز خفته به خاک تفتیده، نه تنها هدف مورد نظر محقق نخواهد شد، بلکه همان اثر محدودی را که از این زیارت نورانی گرفته را در پیچ‌وخم زندگی گم کرده و تأثیر آن را کم‌رنگ، حتی ممکن است معکوس نماید.

براین اساس هدف اصلی از زیارت این است که زائر با ارتباط با مزور بتواند خیر دنیا و آخرت از او استمداد کند، چون هر زائری برای حاجتی از منزل حرکت می‌کند، اما باید به گونه‌ای درخواست کنیم که در آن امر خیری باشد و یا دفع ضرری باشد؛ چنانچه شیخ‌الرئیس ابن‌سینا نیز به آن اشاره دارد: «زائر که با وجود مادی و روحی خویش به سوی مزور می‌رود از نفس مزور استمداد می‌طلبد تأخیری را تحصیل یا زبانی را دفع کند. نفس مزور نیز به جهت جداشدن از عالم ماده و مشابهتی که با عقول مجرد یافته است، منشأ اثر فراوان و کامل‌تری خواهد بود. و چون زائر با جسم و جان سراغ مزور رفته است هم بهره‌های مادی می‌برد و هم فوائد روحی. از جهتی دیگر روح پس از جداشدن از بدن باز یک نحوه علاقه و ارتباطی با آن بدن مادی دارد» (جهانگیر و مفتون، ۱۳۹۳).

۱. این موضوع در مقاله تبیین جامعه‌شناختی زیارت اربعین و کارکردهای اجتماعی آن، تالیف نگارنده در شماره ۳۸ مجله اسلام مطالعات اجتماعی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. سطحی‌نگری و مناسک‌گرایی

یکی از آسیب‌هایی که به‌طور کلی علاقه‌مندان به اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه سیدالشهدا علیه‌السلام و به‌خصوص زائرین اربعین (که بیشتر مورد توجه دیگران هستند) را تهدید می‌کند سطحی‌نگری و دل‌خوش کردن به صرف حضور در آن پدیده عظیم است. اینکه تلاش دارد تا هر سال و به هر نحوی شده در راهپیمایی اربعین شرکت داشته باشد، اگرچه این حضور به خودی خود توفیقی است؛ اما این توفیق اگر مزین به شناخت مرام حسینی نگردد، ممکن است آسیب سطحی‌نگری را در پی داشته باشد. مثل آن کسی که در ماه مبارک رمضان به جهت ثواب تلاوت قرآن تلاش کند چندین ختم قرآن داشته و به تعبیر زیاده‌خوانی داشته باشد، درحالی که مرحوم کشمیری در توصیه‌های رمضانی خود فرمودند «قرآن را به اندازه‌ای که بتوانید تدبر کنید تلاوت کنید، تلاش کنید در روز فقط یک آیه را از صبح تا شب در زبان دل و دهان تلاوت کرده و با جان خود عجزین کنید، بهتر از ختم قرآن بدون تدبر است!»؛ بنابراین به تعبیر جامعه‌شناسان، زائرین اربعین نباید مبتلا به مناسک‌گرایی شده و از شناخت عمیق و ارتباط معنوی و معرفتی با ائمه معصوم علیهم‌السلام باز مانند. باید هر مرتبه که از سفر نورانی اربعین برمی‌گردند، در خلوت وجودی خود محاسبه‌ای داشته تا ببینند که چه ره‌آوردی از این حضور داشته است. چه اینکه سیدالشهدا علیه‌السلام مظهر لطف و عنایت الهی در میان مخلوقات الهی بوده و زائرین مشتاق را دست خالی برنمی‌گرداند.

اگر بخواهیم بدانیم در زیارت اربعین مبتلا به سطحی‌نگری نشده‌ایم، کافی است در زندگی روزمره خود دقت بیشتری داشته باشیم، برای مثال اگر دیدیم رهبر جامعه اسلامی را در وقت لزوم تنها گذاشته و با او همراهی نکرده و حتی به جای گوش به فرمان او بودن، چشم به رسانه دشمن دوخته و گوش به سخنان اغیار سپردیم؛ اگر مظلومی را مشاهده کرده و به اندازه توان به او یاری نرساندیم، منکری را در جامعه دیده و بدون احساس وظیفه از کنار آن گذشتیم، به والدین خود احسان نکرده و رضایت‌شان را جلب نکردیم، در سرپرستی و مهربانی به همسر و شریک زندگی خود کوتاهی کردیم، در تربیت صحیح فرزندان خود کم‌کاری کردیم، به یاری همسایه نیازمند

نشستیم، کشتار مظلومانه مسلمین ما را از دشمنان عصبانی نکرده و بر سرشان فریاد نزدیم، داشته‌های علمی و عملی خود را با دیگران به اشتراک نگذاشته‌ایم، با مؤمنین مدارا نداشته‌ایم، با دشمنان همراهی کرده و بر طبل ناامیدی کوبیدیم و... یقین بدانیم که زیارت مبتلا به سطحی‌نگری شده و دشمنان دین و اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها از این زیارت ما نگران نیستند، بلکه خود مقدمات بر پای آن را فراهم خواهند کرد.

در اینکه دشمن در برخی از امور برای دور کردن از هسته عمل و دور کردن مؤمنین از معرفت و شناخت بن‌مایه اعمال دینی، ممکن است در مقدمات آن عمل حتی همکاری کند، به عنوان شاهد، آنچه را که خود در مناسک حج سال ۱۳۸۵ مشاهده کرده‌ام را بیان می‌کنم، برای انجام اعمال سه روزه عرفات و منا، در هتل لباس احرام را پوشیده و از مکه به سمت عرفات در حرکت بودیم که در میان راه متوجه شدم که اتوبوس ما مثل دیگر اتوبوس‌هایی که پیش از ما به راه افتاده بودند توقف کرد، پس از دقایقی، شاگرد راننده بسته‌هایی را وارد اتوبوس کرده و میان افراد تقسیم کرده و یک بسته هم به من داد؛ با اطلاعات اندک از زبان انگلیسی، از نوشتار روی بسته متوجه شدم که این بسته توسط یک مؤسسه آمریکایی تهیه شده است و به همه آنهایی که به عرفات می‌روند هدیه داده می‌شود!! به دوستان اطراف خود گفتم، اگر می‌خواهید از درک حقایق عرفات باز نمانید از این لقمه چشم‌پوشی کنید! چون این لقمه مانع برگزاری حج ابراهیمی شده و نباید انتظار درک نورانیت عرفات و منا را داشته باشیم؛ تازه اگر قضیه عکس نشده و مبتلا به عمل خلاف اسرار حج نشویم! و این حقیقتی است که شکم اگر از حرام پر شود مانع شنیدن حق می‌شود، و این کلام نورانی سیدالشهدا علیه‌السلام در روز عاشورا است؛ آنجا در برابر سپاه کوفه ایستاد و از آنها خواست که ساکت شوند، ولی آنان نپذیرفتند!! امام به آنها فرمود: «وای بر شما! چرا ساکت نمی‌شوید تا سخنان مرا گوش کنید؟! من شما را به راه راست دعوت می‌کنم، هر کس از من پیروی کند به راه راست هدایت می‌شود، و هر کس از من نافرمانی کند هلاک خواهد شد. شما از دستور من سرپیچی می‌کنید و به سخنانم گوش فرا نمی‌دهید، چرا که هدایای شما [جوایزی که برای کشتن من گرفتید] تنها از راه حرام بوده و شکم‌هایتان از حرام پر شده است، و

خداوند بر دل های شما مَهر زده است. وای بر شما! آیا ساکت نمی شوید؟ آیا به سخنانم گوش فرا نمی دهید؟» (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، صص ۲۵۲-۲۵۳).

تأکید این نکته را لازم می دانم که تکرار زیارت و یا تلاوت زیاد قرآن کریم، هیچ منافاتی با تدبر در آن و شناخت مرام ائمه معصوم و سیدالشهدا علیهم السلام، ندارد. نباید گمان شود که نگارنده بر این باور است که لازم نیست که زیاد قرآن خوانده شود، اتفاقاً یکی از سفارشات مؤکد استادمان علامه جوادی آملی حفظه الله در کلاس درس این بود که کسی عالم ربانی نمی شود مگر اینکه در ماه یک ختم قرآن، نهج البلاغه را در دو ماه و در هر شش ماه یک مرتبه اصول کافی را بخواند؛ بنابراین هرگز نگفته و نخواهیم گفت که زیارت اربعین، یک مرتبه کافی است. تمام سخن این است که مؤمنین و متدینین باید تلاش کنند مبتلا به مناسک گزایی نشده و به ظاهر عمل و زیارات اکتفا نکرده، بلکه هسته عمل را هدف قرار دهند تا درون جان خود و جامعه را از معرفت و نورانیت آن بهره مند کنند. این البته در زیارت اربعین به جهت تأثیرگذاری اش از یک سو، تلاش فراوان دشمنان برای کمرنگ کردن و یا بی اثر کردن این زیارت جمعی از سوی دیگر، ما را بر آن داشت که هشداری جامعه شناختی داده باشیم.

صدالبته پیش از هشدار جامعه شناسان، در فرهنگ ناب اسلامی بر اجتناب و دوری از مناسک گزایی تأکید داشته و تفکر و تعمق را نسخه شفابخش می داند در قرآن کریم آمده است: «كذلك نفصل الايات لقوم يفتكرون» امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: «انما خاطب الله العاقل؛ فقط خداوند خردمند را مورد خطاب قرار داده است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶، ص ۵۱۶، حدیث ۴). این جمله کوتاه و رسا از عمق بسیاری برخوردار است و حکایت از آن دارد که سخن خدا و خطاب او به کسانی است که هم دارای فکر و قدرت تفکرند، و هم از نیروی اندیشه و تدبر استفاده می کنند. بسیاری کسانی که عبادت را منحصر در انجام نماز و خواندن نمازهای مستحبی و گرفتن روزه های واجب و مستحب می دانند، بدون آنکه در رمز و راز آن اندیشه کنند و یا در زمان و اوضاع آن تعقل نمایند. امام حسن عسکری علیه السلام با توجه به این خطر و به وجود آمدن و اشاعه آن در جامعه اسلامی، جایگاه ویژه اندیشه و تفکر را این گونه بیان می فرماید: «لیست العبادة

کثرة الصيام والصلوة و انما العبادة کثرة التفکر فی امر الله؛ عبادت به بسیاری نماز و روزه نیست، همانا عبادت تفکر بسیار در امر خداوند است (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۵۳؛ شیخ کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۵).

یکی از نشانه‌های اندیشمندان؛ روش سخن گفتن آنان است. نوشته‌ها، حرف‌ها و کلمات ایشان به خوبی میزان عقل و رشد آنان را بیان می‌دارد. در این باره امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «قلب الاحمق فی فمه و فم الحکیم فی قلبه؛ دل نابخرد در دهان او است، و دهان خردمند فرزانه، در دل او» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶، ص ۵۱۹، ح ۲۱). انسان اندیشمند، اول در اطراف سخن فکر می‌کند، نفع و زیان آن را بررسی می‌کند و آن‌گاه به سخن گفتن اقدام می‌نماید. ولی انسان بی‌خرد و کم‌اندیش، نخست سخن می‌گوید و بعد در عواقب و اطراف آن به اندیشه می‌پردازد. در نتیجه، اندیشمند کم‌تر خطا می‌کند و کم‌اندیشان و یا کج‌اندیشان کم‌تر به راه درست می‌روند. دلیل این امر آن است که بر اثر اندیشه، روح و عقل انسانی روشن می‌شود و در پرتو آن نورانیت، حق و باطل، و درست و نادرست را از یکدیگر تشخیص می‌دهد، در حالی که بی‌خردان در ظلمت جهل به سر می‌برند. به همین جهت، امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «علیکم بالفکر فانه حیاة قلب البصیر و مفاتیح ابواب الحکمة؛ بر شما باد به اندیشیدن! پس به حقیقت، تفکر موجب حیات و زندگی دل آگاه، و کلیدهای درب‌های حکمت است (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۱۱۵). امیر مؤمنان، علی علیه السلام در این مورد فرمود: «من فکر ابصر العواقب؛ هر که اندیشه کند، عواقب کارها را می‌بیند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۶۵).

۲. تفرقه فرهنگی و قومی

بی‌تردید، بزرگ‌ترین آسیب و لطمه‌ای که پس از رحلت جانسوز رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، متوجه دین اسلام و جامعه اسلامی شد، ایجاد تفرقه‌ای بود که از نشست‌ننگین سقیفه نشئت گرفته و از پیامدهای پلید آن نیز پدیداری هفتاد و سه فرقه در میان امتی شد که پیامبر رحمت با خون دل، به برکت آموزه‌های وحیانی، آن را به وجود آورد. و این حقیقت را نباید نادیده گرفت که نه آن خطر امروز از میان ملت‌های

مسلمان به‌ویژه شیعیان برطرف شد و نه آن زیاده‌خواهان و تفرقه‌گرایان از پای نشسته و چشم از عظمت و نوپایی قدرت نرم شیعه فرو بسته و بیکار نشسته‌اند.

پرواضح است که دین و دستورات و اعمالش موجب محدودیت زیاده‌خواهان در عالم بوده و هر کجای این کره خاکی اگر افرادی بخواهند مطابق دستورات الهی زندگی خود را سامان دهند، با موانع سازمانی و یا غیرسازمانی مواجه خواهند بود. به عنوان نمونه رعایت حجاب و پرهیز از برهنگی به عنوان عمل مؤمنانه حتی در جوامع به اصطلاح مردم‌سالارانه^۱ و آزاد مثل فرانسه هم قابل تأمل نبوده و با محدودیت‌های فراوان تلاش دارند تا مؤمنین را در انجام این رفتار دینی تحت فشار قرار داده و آنها را از مواهب اجتماعی نظیر آموزش در مراکز علمی و آکادمیک محروم می‌کنند. البته این فشارها از طرف جوامع استکباری محدود به کشور خود نبوده و تا حد توان تلاش می‌کنند تا این چنین محدودیت‌ها را در جوامع دیگر هم با حربه حقوق بشر، ایجاد کنند. درباره اعمالی مثل زیارت جمعی اربعین که با منافع استکباری آنها در تضاد بوده و قدرت نرم شیعه و جهان اسلام را به رخ می‌کشد، نیز شک نداریم که از پای نشسته و با دسیسه‌های فراوان تلاش می‌کنند در میان جامعه اربعینی رخنه کرده و موجب تفرقه بین عرب و عجم، شیعه و سنی، مسلمان و مسیحی و دیگر فرقه‌های شرکت کننده شوند.

اما نگارنده در این بخش از تحقیق در نظر دارد به مواردی از رفتارهای آسیب‌زا اشاره کند که از جانب اغیار و دشمنان انجام نمی‌گیرد؛ بلکه رفتارهای تفرقه‌انگیزی را می‌بینیم که توسط عده‌ای که به‌ظاهر ادعای حب‌الحسین داشته و به عنوان زائر در جامعه اربعینی حضور دارند انجام می‌شود. البته ممکن است ناخواسته در دام و نقشه دشمنان خارج‌نشین قرار گرفته و از خود رفتارهایی را بروز می‌دهند که انسجامی را که زیارت جمعی اربعین به ارمغان آورده، تحت‌الشعاع خود قرار داده و به ره‌آورد مهم جامعه اربعینی آسیب وارد کنند. بنا داریم در اینجا چند نمونه از رفتارهایی که موجب تفرقه و

1. Democratic.

شکاف فکری و فرهنگی می‌شد را که نگارنده خود با حضور در جمع زائرین اربعین مشاهده کرده و بر اساس دانش جامعه‌شناختی آن را آسیب می‌داند.

۲-۱. جریان‌های انحرافی

یکی از رفتارهای نامناسبی که خود شاهد آن بودم، ترویج تفکر فرقه‌های انحرافی و آخرالزمانی بود، گروهی با روش متعدد درصدد تبیین اندیشه خود بوده و در تبلیغ تفکر خود نیز پرتلاش و امیدوار بودند. یکی از گروه‌های انحرافی که در چند سال اخیر با بهره‌گیری از رسانه‌های صهیونیستی انگلیس تلاش گسترده‌ای دارد، شیعه انگلیسی است. شاید انتظار نداشتیم که این گروه را در جامعه اربعینی مشاهده کنم؛ اما عصر روز نوزدهم صفر ۱۳۹۸ در نزدیک شهر عشق و ایثار، جوانی که حدود سی سال داشت به من نزدیک شده و پس از احوال‌پرسی، ابتدا تلاش کرد با پرسش‌هایی محفل را گرم کند، سپس از فلسفه زیارت و بعد تلاش کرد با توضیحات خود مرا به معارف واقعی شیعه در حوزه زیارت، حتی نحوه ساماندهی مسائل روز حیات اجتماعی آشنا کند، اینکه شیعه در امور دین و دنیا باید بداند که از رهنمود کدام عالم دین استفاده کرده و تحت فرمان کدام فقیه قرار گیرد، باید در پی فقهی باشد که دنیا او را قبول داشته و حتی امکانات و رسانه و فضای مجازی گسترده را در اختیار او قرار دهد و...؛ من هم برای اینکه او بتواند همه توان خود را برای هدایت‌گری به کار گیرد با او همراهی کرده و از او پرسش‌هایی برای روشن شدن پرسیدم! هرچند پس از سخنان روشن‌گرانه‌اش! با اظهار یک جمله امیدش را از میان برده و تلاش او را هدر دادم! به او گفتم: ای جوانی که نام ترا ندانسته و نمی‌دانم از کجا آمده‌ای! امیدی به من پیرمرد نداشته باش، که عمری است که نظریه ولایت‌مطلقه فقیه را باور داشته و سال‌های زیادی است که تلاش می‌کند امور سیاسی و اجتماعی خود را تحت فرمان سیدعلی سامان‌دهی کند، چون بسیار سخت است این اعتقادات قدیمی را بتوانم کنار بگذارم!! بدون هیچ خداحافظی از من جدا شد!

نکته قابل توجه این است که باوجود اینکه آن جوان دیده بود که من یک روحانی

میان سال و تحصیل کرده از حوزه علمیه بوده و از شهر فقه و فقاہت توفیق حضور در جامعه اربعینی را پیدا کرده و باید فکر و اندیشه‌ام تا به حال شکل گرفته و نباید انتظار تغییر در آن داشته باشد؛ اما او از جایی فرمان می‌گیرد که به او آموزش دادند که در هر صورت او نباید امیدش را از دست داده و نه تنها به سراغ نوجوان و جوان‌های حاضر در جامعه اربعینی، بلکه هر فرد دیگری ولو ملبس به لباس روحانیت هم باشد رفته تا به هدفی که همان ترویج تفکر شیعه انگلیسی دست می‌یابد و یا حداقل افراد را در برابر دانسته‌های قبل خود متزلزل کند.

امروز که دشمنان تفکر ناب شیعی مسلح به انواع سلاح و امکانات تبلیغی هستند، پرتلاش‌تر از گذشته در هر زمان و مکانی امیدوارانه به ترویج و تبلیغ اندیشه خود پرداخته تا شیعیان را از فرهنگ ناب علوی دور کرده و از این طریق مسیر زیاده‌خواهی و سلطه بر جهان اسلام و تشیع را هموار کنند، چون با وجود تفکر علوی و عمل به نسخه نورانی امام علی علیه السلام در بخشی از نامه ۴۷ نهج البلاغه که فرمودند: «وَكُونَا لِلظَّالِمِ حَضَمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»؛ همواره دشمن [سرسخت] ظالم و یار و مددکار مظلوم باشید». شیعه و هر انسان آزاده دیگر اجازه ورود به ستم و ستمکاری نخواهد داد تا آنان بتوانند اندیشه و تفکری که راه سلطه و ستم را هموار می‌کند را ترویج کنند.

نمونه‌های متعدد دیگری است که در ایام اربعین با چاپ فراوان تراکت و پلاکارت‌هایی با کاغذ گلاسه گران‌قیمت که حاوی شعارها و روایات آخرالزمانی است؛ تبلیغ فرقه‌های عصر ظهوری توسط برخی از مبلغان این فرقه ضاله در برخی از مواکب خاص، تلاش می‌کنند زائرین به ویژه جوانان را نسبت به آموزه‌های دینی سست نمایند، در این میان نداشتن اطلاعات مناسب یا کمبود شناخت از جریانات انحرافی باعث می‌شود فرقه‌های منحرف پیروانی را برای خود جذب کرده و تعداد خود را افزایش دهند. خطر فرقه‌های انحرافی، خطر بزرگی است که متأسفانه با نام مهدویت گسترش می‌یابد و افرادی با استفاده از وعده‌های دروغین خود را به عنوان نمایندگان و یاوران حضرت مهدی علیه السلام معرفی می‌کنند؛ این افراد به واسطه افکار غلط و بی‌اساس خود در صدد یارگیری بوده و فعالیت‌های خود را گسترش داده و در حال ضربه‌زدن به

مبانی فکری و اعتقادی زائران و به‌خصوص جوانان هستند. گروه‌های انحرافی چند هدف و رسالت برعهده دارند که ازجمله آنها می‌توان به: تربیت طلبه‌ها، مراجع خاص و جریان‌ساز اشاره کرد که توسط آنها سر راه زائرین قرار گرفته و با ایجاد شبهات و بحث‌های مربوط به مهدویت جوانان کم سن و سال و بی‌تجربه را وارد بحث‌های حاشیه‌ای کرده و بر روی آنها تبلیغ می‌کنند (اسلامی، ۱۳۹۷، خبرگزاری بین‌المللی قرآن).

البته این حقیقت را هم نباید از نظر دور داشته باشیم که متدینان و پیروان فرهنگ ناب علوی باید از نظر دانش و معرفت دینی خود را مسلح کرده و همواره درصدد تکمیل و تقویت اطلاعات دینی خود بوده در زمینه باورها و ارزش‌های دینی بیشتر تلاش کرده و تلاش کنند با مراجعه به آثار اندیشمندان دینی، از باورها و اعتقادات خود در برابر وسواس و شبهات دشمن محافظت نمایند؛ چون شبهه مثل پرسش نیست، پرسش و سوال برای انسان مفید است، خواه از او پرسش شود یا خود از دیگران پرسش کند. به همین جهت قرآن کریم نیز، پرسش و مراجعه به اهل‌الذکر را جهت رفع نادانی امری ضروری می‌داند و می‌فرماید: «... فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل، ۴۳) اگرچه مصداق اصلی اهل‌الذکر در این آیه ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند (عباشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۶۰). اما اساساً پرسش و پرسش کردن پیامدش افزایش آگاهی و اطلاعات است.

نکته قابل توجه در فعالیت گروه‌های انحرافی در جامعه اربعینی از جنس پرسش نیست، بلکه از نوع شبهه است و شبهه به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب مثل موریانه است؛ دشمن به این موریانه‌ها دل بسته. شبهه ویروس است، مثل همین ویروس کرونا؛ وقتی که وارد شد، خارج‌شدنش مشکل است، جزو بیماری‌های مسری هم هست، سرایت هم می‌کند... بعضی‌ها در مقابل تیر و شمشیر ایستادند، در مقابل شبهه نتوانستند بایستند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۵/۵). امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام شبه را خانمان‌سوز می‌داند و می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ الْوُقُوعَ فِي الشُّبُهَاتِ، وَ الْوُقُوعَ بِالشَّهَوَاتِ؛ فَإِنَّهُمَا يَقْتَادَانِكَ إِلَى الْوُقُوعِ فِي الْحَرَامِ وَ رُكُوبِ كَثِيرٍ مِنَ الْآثَامِ»؛ از افتادن در شبهات و آزمندی به شهوات دوری کنید؛ زیرا این دو امر، تو را به افتادن در حرام و ارتکاب بسیاری از گناهان می‌کشانند (تمیمی آمدی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۷۲۳). خانمان‌سوزی شبهه بدان‌جهت که با تحریف واقعیت داشته‌ها و یقینیات

شخص را متزلزل کرده و از بین می‌برد، سِرّش را آن حضرت این‌گونه بیان می‌کند: «كَلِمَةٌ حَقٌّ يَرَادُ بِهَا الْبَاطِلُ؛ هیچ‌گاه باطل با چهره باطل خویش عرضه نمی‌شود، بلکه لباس حق را بر آن می‌پوشانند و سپس به مردم عرضه می‌کنند (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۹۸). مثل آنچه که در جنگ صفین پیش آمده بود، چون خیانت به اسم قرآن بر مردم تحمیل شد و حکومت دیکتاتوری معاویه به نام اراده خداوند برگردن مردم مستقر شد.

بی‌تردید گروه‌های منحرف با فعالیت‌های گسترده در جامعه اربعینی تلاش دارند با ایجاد شبهه، اولاً، در میان برخی از زائرین اربعینی لغزش فکری پدید آورده و آنها را در برابر داشته‌های خود متزلزل کنند، چون شبهه از آن جهت که به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه تحریف بنا شده است؛ در پی خود باورهای یقینی افراد را تخریب کرده و می‌سوزاند. ثانیاً، با تزلزل در فکر و اندیشه، رفتارهای متناقضی میان زائرین آشکار شده و در پی آن شاهد شکاف و تفرقه در میان افراد و زائرین اربعین خواهیم بود؛ درحالی‌که قرار بود از طریق زیارت جمعی اربعین شاهد همبستگی و انسجامی باشیم که تولید قدرت نرم کرده و در برابر دشمن تا دندان مسلح بایستیم.

۲-۲. خرده‌فرهنگ قومی

چنانچه پیش از این اشاره شد جامعه در حقیقت متشکل از افرادی است که در پرتو یک فرهنگ مشترک در کنار هم قرار گرفته و با ارتباط متقابل امور اجتماعی خود را ساماندهی می‌کنند؛ اما از آنجایی که به شهادت قرآن کریم خداوند مردم را به صورت شعوب و قبائل متفاوت خلق کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات، ۱۳) پرواضح است که این تفاوت در خلقت بدون شک تفاوت در آداب و رسوم را به همراه خود خواهد داشت. اما اگر این افراد متفاوت تحت فرمان یک فرهنگ مشترک باشند نه تنها همبستگی و انسجام جامعه را متزلزل نخواهد کرد؛ بلکه حتی می‌تواند موجب شکوفایی اذهان شده و دست به شاهد ابداعات مفید و استراتژیک زده و از مواهب آن بهره‌مند گردند. و این امر بستگی به عنایت ویژه به خرده‌فرهنگ‌های

موافقی دارد به جهت تفاوت در خلقت در جوامع وجود دارد.

برای مشخص شدن این موضوع لازم است بدانیم که جامعه‌شناسان در یک تقسیم‌بندی فرهنگ را به دو قسم فرهنگ جامع یا عام و خرده‌فرهنگ تقسیم کردند؛ منظور از فرهنگ جامع؛ مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و آداب و رسوم و... که توسط بیشتر افراد جامعه پذیرفته شده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد. خرده‌فرهنگ^۱ عبارت است از گروهی که در فرهنگ جامع و کل جامعه سهم بوده و دارای هنجارها و روش زندگی خاص خود می‌باشند؛ البته در خرده‌فرهنگ انتقال به نسل بعد الزامی وجود ندارد، اگرچه ممکن است به چندین نسل منتقل شود. خرده‌فرهنگ نیز در یک تقسیم‌بندی کیفی به دو نوع موافق و مخالف تقسیم شده است که در تعریف این دو گفته‌اند: خرده‌فرهنگ موافق: گروهی از افراد جامعه که ارزش‌های با فرهنگ جامع و غالب همراه و موافق بوده ولی در هنجارها و آداب و رسوم متفاوت هستند؛ مثلاً در احترام به بزرگ‌تر که یک ارزش فرهنگ جامع است، موافق بوده اما در نحوه احترام متفاوت هستند. جمع وقتی به بزرگ‌تر را ببیند سلام می‌دهد؛ اما آنها مثلاً کلاً از سر خود برمی‌دارند. در خرده‌فرهنگ مخالف یا متضاد؛ اقلیتی هستند که در ارزش‌ها و هنجارها و آداب و رسوم با فرهنگ عام جامعه در تضاد بوده و مخالفت می‌کنند (کونن، ۱۳۷۲، ص ۷۹). مثل گروه‌های رپ، هوی متال و پانک، گروه‌هایی که تحت عرفان نوظهور در جامعه اسلامی فعالیت می‌کنند. البته خرده‌فرهنگ در ادبیات جامعه‌شناسی یک تقسیم کمی هم دارد که آن را به انواع خرده‌فرهنگ اقلیمی، قومی، صنفی، سنی، جنسی و... تقسیم می‌کنند.

منظور ما در این تحقیق، خرده‌فرهنگ موافق است؛ اولاً، باید توجه داشته باشیم که این نوع از فرهنگ که ریشه در خلقت الهی دارد، بدون شک وجودش در جامعه، نه تنها موجب اختلال در انسجام اجتماعی نمی‌شود، بلکه می‌تواند خاستگاه بسیاری از نوآوری و ابداعات در جامعه باشد، نگارنده در یک پژوهش دیگر تبیین کرد که یکی از عوامل

1. Subculture

مهم در نوآوری در جوامع، تفاوت در فرهنگ‌هاست (مریجی، ۱۳۸۷). ثانیاً، گاهی این خرده‌فرهنگ در یک جامعه است، گاه در یک بستر وسیع‌تر به اصطلاح دینی در یک امت است، برای مثال امت اسلام، شامل همه افرادی که تحت لوای فرهنگ جامع اسلامی امور فردی خود را ساماندهی می‌کنند، می‌شود؛ هرچند ممکن است در یک کشور نباشند. مرز در اینجا معنوی است، یعنی ممکن است در کشورهای متعدد زندگی کنند. برای مثال، کشورهای اسلامی اگرچه در اصطلاح سیاسی کشورهای مستقل و از هم جدا هستند؛ اما از لحاظ فرهنگی تحت عنوان امت، دارای فرهنگ جامع و عام خواهند بود، که البته هر کدام در کشور خود با عنایت به آداب و رسوم و هنجار با ادیان جامعه‌شناختی دارای خرده‌فرهنگ خاص خود هستند که ما آن را خرده‌فرهنگ موافق شمرده و احترام به آن را نه تنها ضروری می‌دانم بلکه در نگاه دینی احترام آن را واجب می‌دانیم.

با این توضیح روشن می‌شود که عراق اگرچه به عنوان کشوری مستقل از ایران است؛ اما در اندیشه اسلامی، ایران و عراق امت واحده بوده و تحت یک فرهنگ جامع اسلامی زیست می‌کنند؛ البته هر کدام دارای خرده‌فرهنگ خاص خود هستند. با توجه به این واقعیت، زائران ایرانی و یا هر کشور اسلامی دیگر باید که تا زمانی که در عراق حضور دارند نه تنها در برابر فرهنگ قومی آن مخالفت و بی‌اعتنایی نداشته باشند، بلکه تلاش کنند، مواردی که امکان همانندی وجود دارد، همانند مردم شیعه عراق رفتار نمایند. همان طوری که در زبان باید مطابق زبان عراق با آنها مراوده داشته باشیم در مواردی چون نوع تغذیه و... نیز رعایت آداب عراق در دستور کار باشد تا باعث تفرقه و شکاف میان دو کشور برادر نگردد؛ بنابراین آگاهی و شناخت فرهنگ کشور میزبان یکی از امور ضروری قبل از سفر به این کشور است.

در زمینه سفر اربعین به دلیل معاشرت بسیار نزدیک و مکرر با برادران و خواهران عراقی، هم‌سفره‌شدن، هم‌سفرشدن و مهمان‌شدن در منازل و موب‌هایشان این نیاز به حد اعلای خود رسیده است. تجربه چندین سال اخیر نشان داده عدم آگاهی از اشتراکات و تفاوت‌های فرهنگی، باعث بروز مشکلاتی برای زائران عزیز شده است.

افزون‌براین آگاهی از فرهنگ کشور میزبان، زمینه نشان‌دادن فرهنگ غنی ایرانی و اخلاقیات مثبت زائران را نیز ایجاد می‌کند. در عراق هم مثل ایران خانواده‌های سنتی و غیرسنتی وجود دارد. در خانواده‌های سنتی ایرانی مسئله عدم ارتباط خانم‌های نامحرم با میهمانان پررنگ‌تر بوده و تقریباً ارتباطی وجود ندارد. کما اینکه این مسئله در خانواده‌های غیرسنتی عراق هم وجود دارد. در این مبحث برای رعایت فرهنگ میزبان مناسب است که حتی الامکان ارتباطی میان برادران ایرانی با خواهران عراقی به خصوص جوان‌ها و بالعکس، خواهران ایرانی با برادران عراقی نباشد و نیازها و احتیاجات به میزبانان با هم جنس عراقی مطرح شده و حل شود.

البته خوشبختانه به دلیل اشتراک در فرهنگ جامع اسلامی، معمولاً زمینه این کار در موبک‌ها و منازل فراهم شده و تنها آگاهی از این موضوع کافی است. در ضمن برای صداکردن خانم‌ها بهترین کلمه حجیه و پس از آن خاله هست و اگر جوان باشند در نهایت می‌توان از اُختی هم استفاده کرد. اصلاً لزومی بر صمیمیت با خواهران عراقی، توسط برادران و بالعکس وجود ندارد. کما اینکه حتی ممکن است باعث ناراحتی نیز شود. اشتراکات این مسئله در عراق و ایران یکی است و رفتار عراقی‌ها مثل خانواده‌های مذهبی ایرانی بوده و حتی المقدور ارتباط نامحرم مورد پسند نیست. در عراق مرسوم است که به جهت راحتی و معذب‌نشدن مهمان، میزبان حتی المقدور در سر سفره و حتی زمان خواب، کنار مهمان نمی‌ماند. به دلایل فوق می‌توان بحث وجود بانوان نامحرم در سر سفره را هم اضافه کرد. این عملکرد تا جایی که مهمان و میزبان احساس راحتی زیادی با هم نداشته باشند ادامه خواهد داشت. این احساس راحتی به‌طور معمول بر اثر تعدد روزها یا تعدد سال‌های میزبانی صورت می‌گیرد. کما اینکه در خانواده‌های سنتی عراق این مبحث ممکن است ادامه دارتر نیز باشد؛ فلذا این عمل حمل بر بی‌احترامی نیست و اتفاقاً از روی ادب خادمین امام حسین علیه السلام انجام می‌گیرد. عموماً حضور میزبان در سر سفره به جهت پذیرایی از میهمان می‌باشد. چه بسا اتفاق افتاده که میزبان می‌گوید غذا خورده و صبر می‌کند وقتی میهمان سیر شد، در ادامه خودش غذا می‌خورد. از رسوم دیگر عراقی‌ها در زمینه غذا، گذاشتن گوشت یا مرغ با دست خود برای مهمان

است و این را نشانه احترام می‌دانند. در بحث خرید، کرایه تاکسی، هتل و تغذیه، چانه‌زنی بر سر قیمت در عراق به صورت ایران صورت نمی‌گیرد. بیشتر یک مرتبه قیمت اعلام می‌شود و خریدار هم قیمت مورد نظر خود را می‌گوید و در صورت توافق معامله انجام می‌شود. کمتر دیده شده مثل ایران خریدار شروع به چانه زنی‌های طولانی کند و این مبحث در کشورهای اروپایی هم تقریباً به همین صورت می‌باشد؛ فلذا بهتر است جهت جلوگیری از گفتگوهای احتمالی از چانه‌زنی بیش از حد خودداری کنیم. در صف ورود به سرویس بهداشتی گاهی پیش می‌آید که ایرانی‌ها کمافی‌السابق بنا را بر تعارف می‌گذارند. برای این کار در عراق از کلمه *یتکرم* استفاده می‌کنند. استفاده از کلماتی مثل *اتفضل*، *تفضل* یا *امثال* این، بی‌احترامی محسوب شده و ممکن است باعث ناخوشنودی عزیزان شود. این نکته قابل عرض است که عموماً مثل ما ایرانی‌ها زیاد اهل تعارف به‌خصوص در این مبحث نیستند. شیوخ عشیره به‌طور معمول در خدمت به زوار سردمدار عشیره هستند و به همین منظور در ابتدای موكب‌ها منتظر زائر هستند. احترام به بزرگان در ایران نیز بسیار مرسوم است و این مبحث در عراق برای بزرگان عشیره‌ها واجب بوده و نشان‌دهنده شخصیت ماست؛ فلذا از اموری مثل دراز کردن پا به صورتی که کف پا به سمت بزرگان باشد، پرهیز کرده و از سلام و احوال‌پرسی با بزرگان عشیره و تشکر از زحمات آنها غافل نشوید. با کلماتی مثل: *الله يحفظك* و *رحم الله والديك* می‌توانید در راستای خدمت به زوار، انرژی لازم رو به آنها هدیه کنید.

عراقی‌ها به رسم دیگر عرب‌ها، از کلمات محبتی استفاده زیادی می‌کنند. در صدا کردن برادران ایرانی ممکن است از کلماتی مانند: *حییبی*، *عزیزی*، *ورد*، *حجی*، *گلبی*، *عینی*، *عیونی* و غیره استفاده کنند که برای صدا کردن به همراه محبت به کار می‌رود و بسیار عادی است. شما هم می‌توانید اینها را برای هم‌جنس خود به کار ببرید. فقط دقت کنید این کلمات فقط و فقط برای هم‌جنس به کار می‌رود و این نقطه اشتراک فرهنگ عراق و ایران است. در فرهنگ عراقی هم هیچ‌وقت نباید به جنس مخالف غیر محرم کلماتی از این دست و کلمات مشابه دیگر گفته شود؛ فلذا دقت در این موضوع بسیار دارای اهمیت است. چقدر زیباست که پس از توافق قیمت جهت

جنس یا خدمات، دیگر تغییر در مبلغ انجام نگیرد. در زمینه حمل و نقل در زمان اربعین، به دلیل بسته شدن راه‌ها محدودیت‌های زیادی وجود دارد. این محدودیت‌ها ممکن است باعث افزایش قیمت کرایه‌ها شود. این مبحث در هتل‌ها هم به همین صورت است؛ فلذا شایسته است پس از توافق قیمتی، تغییری در توافق انجام نشود. دیده شده بعضی از دوستان ایرانی برای تاول‌زدن دست و پاهای خود، از حنا در این ایام استفاده می‌کنند که عملی مستحب در دین ما است. حنا، در فرهنگ عراق و دیگر عرب‌ها برای شادی‌ها و مراسمات عروسی استفاده می‌شود و استفاده از آن در اربعین را بسیار توهین‌آمیز می‌دانند و اصلاً برایشان قابل پذیرش نیست؛ بنابراین تلاش نمایید در صورت امکان از این کار پرهیز کنید.

کلمه اعراب برای برادران عرب‌زبان، توهین‌آمیز بوده و از نظر ایشان این کلمه منتسب به اعراب زمان جاهلی می‌باشد؛ لذا از این کلمه برای خطاب قرار دادن عرب‌ها اجتناب کنید. در فرهنگ عراق، رعایت امر مستحب غذا خوردن با دست بسیار رایج است و خودشان غالباً به این صورت غذا می‌خورند. این عملکرد برای بیشتر ایرانی‌ها نامأنوس بوده و قابل پذیرش نیست. دقت شود که این حرکت بخشی از فرهنگ عراق به‌شمار می‌رود و ما فقط با گفتن کلمه خاشوگه، می‌توانیم درخواست قاشق کنیم. البته جدیداً با این قضیه و فرهنگ ما آشنایی پیدا کردند و استفاده از دست برای غذای مشترک کمتر شده است؛ همچنین استفاده از لیوان مشترک برای آب و قهوه بسیار مرسوم است (خبرگزاری مهر، ۱۳/۰۶/۱۴۰۱).

به هر حال زیارت اربعین یکی از فرصت‌های بی‌نظیری بود که به برکت وجود نازنین سیدالشهدا علیه السلام و البته عنایت ویژه آن حضرت، میان دو کشوری که هشت سال با هم در جنگ بودند، که در اثر آن تعداد زیادی از خانواده‌های دو کشور عزیزان خود را از دست داده‌اند. توانسته همبستگی و انسجام دوباره میان دو کشور بزرگ شیعی ایجاد کند. به گونه‌ای که در ایام کرونا که در اثر محدودیت زائران ایرانی نتوانسته بودند به زیارت اربعین مشرف شوند، هر دو طرف متوجه شدند که چقدر دل‌بستگی به یکدیگر پیدا کرده‌اند، صاحبان موبک‌ها و میزبانان عراقی در انتظار دیدن زائران ایرانی بوده و

ایرانیان زائر و مشتاق هم دلتنگ نوای گرم «اهلابکم» برادران عراقی شده بودند. توجه داشته باشیم که این سرمایه بزرگ اجتماعی را با بی توجهی خود و نبود رعایت فرهنگ قومی، آسیب نزده و در حفظ والته تقویت آن بکوشیم. و این خواسته هر دو کشور امام زمان علیه السلام است. فراموش نمی کنم لبخند رضایت و زیبای برادران عراقی را که مشغول پذیرایی با چای از زائرین بودند؛ وقتی متوجه شد ایرانی هستم پرسید؟ شای ایرانی؟ آیا چای ایرانی می خواهی؟ گفتم: لا عراقی! شای ایرانی فی ایران موجود، نه عراقی می خواهم، چون چای ایرانی در ایران هم هست!

۲-۳. خدمات غیربومی

یکی از مسائل اساسی و قابل تأمل در ایام زیارت جمعی اربعین، تدارکات و ارائه خدمات گسترده و متعدد امنیتی، بهداشتی، رفاهی، ترابری و... به میلیون‌ها زائری است که از اقصی نقاط داخل و خارج کشور، از ابتدای ماه صفر برای زیارت اربعین به سمت کربلای معلی حرکت می کنند. نکته قابل توجه این است که هر کدام از زائرین جز وسائل ضروری شخصی چیز دیگری را همراه نداشته و تمام امور مورد نیاز را در مسیر به صورت رایگان دریافت می کنند. حجم سنگین نیازمندی روزانه زائرین برخی از خیرین و علاقمندان به سیدالشهدا علیه السلام را بر آن داشت تا برای کم کردن بار سنگین تدارکات توسط مردم عراق، به آنان کمک کنند. البته نگارنده به عنوان یک محقق اجتماعی، شکی ندارد که باید برای کم کردن فشار سنگین تدارکات زائرین اربعین، علاقمندان و افراد و گروه‌های خیر از دیگر کشورها، دولت و ملت عراق را دریابند. سخن در این بخش از تحقیق این است که این کمک‌ها نباید به گونه‌ای باشد که تبدیل به آسیبی به نام تفرقه و شکاف میان میزبان با دیگر ارائه کنندگان خدمات، گردد. با توجه به آگاهی و شناختی که نگارنده^۱ از روحیه و فرهنگ بومی مردم عراق

۱. رساله دکتری نگانده درباره عراق بوده است که در سال ۱۳۸۶ دفاع شده است؛ ویراستار علمی اش جناب دکتر فاضل سعدی عضو حزب الدعوة عراق، پس از مطالعه آن به نویسنده گفت: من شما را متخصص عراق می دانم.

دارم، معتقدم برپایی موبک غیربومی در داخل کشور عراق است، می‌تواند یکی از آسیب‌های این پدیده عظیم بوده و حتی می‌تواند زمینه‌ای را فراهم کند که اغیار بتوانند از طریق آن به اهداف پلید خود نزدیک شوند. برای روشن شدن آسیب‌ز بودن برپایی موبک‌های غیربومی فقط به چند نکته از نکات متعدد آن اشاره می‌کنیم:

اولاً، موجب لطمه روحی و روانی میزبان می‌گردد، چون او تصور می‌کند که میهمانان سیدالشهدا علیهم‌السلام از نحوه و میزان پذیرایی توسط میزبانان عراقی‌ها راضی نبوده و به تعبیر عامیانه و عرفی، آنها عرضه ارائه خدمات به زائرین را نداشته و از این بابت نگران بوده و از این‌رو در سال‌های اخیر برخی از موبک‌ها تلاش دارند، با ارائه غذای غیربومی مثل غذای ایرانی، زائرین را به موبک خود دعوت کنند؛ و از این‌رو در طول روز شاهدیم که برخی از موبک‌ها با صدای بلند و مکرر این موضوع را اعلام کرده تا زائرین ایرانی وارد موبک آنان شوند.

ثانیاً، موبک غیربومی زمینه ورود اغیار در جامعه منسجم اربعینی را فراهم کرده است. چون اگر راه افراد و گروه غیرعراقی برای برپایی موبک در عراق باز نمی‌شد، امروز شاهد موبک‌هایی نبودیم که اندیشه شیعه انگلیسی در آن تبلیغ و ترویج می‌شود، یا آن موبک‌های دیگری که در آن تفکرات اشخاص و فرقه‌های منحرف، آشکارا و بدون هیچ محدودیتی، ترویج شده و متأسفانه برخی نیز جذب آنان شده و هر سال بر تعداد آنها افزوده می‌شود و این موبک‌ها با کمک مستقیم مادی و رسانه‌ای دشمنان غربی و خناسان منطقه راه تشت و تفرقه فکری و فرهنگی را هموار می‌کنند.

ثالثاً، احساس دخالت در امور داخلی عراق، نیز یکی از آسیب‌هایی است که برپایی موبک غیربومی می‌تواند به همراه داشته باشد. مردم عراق با توجه به علاقه‌ای که سیدالشهدا علیهم‌السلام دارند احساس می‌کنند که ارائه خدمات به زائرین اباعبدالله الحسین علیهم‌السلام جز وظایف لاینفک آنهاست. میزبانی مستقیم توسط دیگران را در حقیقت به نوعی مداخله در حیطه وظایف خود می‌داند و این امر می‌تواند موجب شکاف میان آنها شود. البته از دسیسه و القای خناسان در این موضوع نباید غافل بود. چون دشمنان اسلام و تشیع و اشغال‌گران امریکایی که منافع خود را از این اتحاد در خطر شدید می‌بینند،

همواره برای القای دشمنی و اختلاف میان این دو ملت و کشور در تلاش‌اند. دشمنان از هر راهی برای متهم کردن ایران به دخالت در امور عراق استفاده می‌کنند. درحالی‌که همکاری‌های فراوان میان ایران و مردم مظلوم عراق، پس از سقوط صدام، از علایق مشترک فراوان و پیوندهایی کهن فرهنگی و مذهبی دو ملت سرچشمه می‌گیرد. افزون‌براینکه عراق، پذیرای امامان بزرگ شیعه و سرزمینی مقدس برای همه شیعیان جهان و کعبه آمال ایرانیانی بوده است که در عشق به سیدالشهدا و امیرمؤمنان و ائمه معصوم علیهم‌السلام سر از پا نشناخته و طول تاریخ نیز اگر هزینه و کمک مادی می‌کردند، کمکی بی‌منت در راه عشق به اهل بیت علیهم‌السلام و خدمت به محبان آنان بوده است (نجاتی، ۱۳۹۶).

البته گفتنی است که نگارنده نیز به خوبی این واقعیت را نه تنها درک می‌کند، بلکه به چشم دیده که هزینه سنگین ایام اربعین و ارائه خدمات گسترده به زائرین به گونه‌ای نیست که کشور جنگ‌زده عراق و شیعیان محروم و ستمدیده آن کشور بتوانند به تنهایی آن را تحمل کرده و بار سنگین آن را بدون کمک دیگر افراد و گروه‌های شیعه به دوش کشیده و زائرین سیدالشهدا علیهم‌السلام میزبانی کنند. و این موضوع را به هم به خوبی مطلع هستیم که بسیاری از مردمان شهرها و روستاهایی که در مسیر زائران سیدالشهدا علیهم‌السلام زندگی می‌کنند در این ایام با گذاشتن منازل خود در اختیار زوار، جای خالی امکانات در کشورشان را پر می‌کنند. آن‌ها در مسیر زائران قرار می‌گیرند و از راه‌پیمایان اربعین، دعوت می‌کنند تا برای رفع خستگی به موبک‌شان بیایند.

به گزارش خبرگزاری ایسنا: میزبانان عراقی به‌صورت داوطلبانه سه ماه از سال را برای خانواده‌شان و ۹ ماه دیگر را برای زائران پس‌انداز می‌کنند. هزینه این میزبانی با توجه به شرایط مالی آن‌ها از دو تا ۲۵ میلیون دینار عراقی متغیر است که معادل ۶ تا ۷۰ میلیون تومان است. آن‌ها معتقدند که با این کار برکت راهی خانه‌هایشان می‌شود. «محمد مجید شامخ» ۴۶ ساله است. خانه‌اش در کربلاست و در یک گلخانه کار می‌کند. عزاداران اربعین که راهی کربلا می‌شوند، او خانه دو طبقه خود را در اختیارشان قرار می‌دهد و به همراه خانواده و فامیلش از آن‌ها پذیرایی می‌کند. دخترانش برای

زائران نان می‌پزند و همسرش هم آشپزی می‌کند. او برای این میزبانی سالانه ۲۵ میلیون دینار عراقی هزینه می‌کند. «حامد نصاری» ۳۵ ساله است و در کربلا زندگی می‌کند. او که صاحب چندین کامیون است در این ایام ماشین‌های خود را به عنوان انبار و محل استراحت در نقطه‌ای مشخص متوقف و از زائران پذیرایی می‌کند. او در این روزها حدود ۷ تا ۸ میلیون دینار برای میزبانی از زائران هزینه می‌کند (ایسنا، ۱۳۹۶/۰۸/۱۸).

با اذعان به این حقیقت، سازوکاری وجود دارد که از طریق می‌توانیم از آسیب‌های برشمرده شده پیش‌گیری کنیم؛ از جمله آن این است که به جای ارائه خدمات مستقیم و برپایی موبک در داخل عراق، باید به موبک‌های عراقی کمک شود تا آنان بتوانند از پس هزینه‌های سنگین برآیند. همان‌طوری که سردار دلها شهید حاج قاسم عزیز برای امنیت زائرین به کمک حدالشعبی عراق آمده و با سازماندهی نیروهای عراقی و داوطلبان ایرانی امنیت مسیر حرکت زائرین را تضمین کرده و هیچ لطمه‌ای به استقلال کشور عراق وارد نکرده است، چون در عرف بین‌الملل این چنین کمک‌ها نه تنها دخالت محسوب نمی‌شود که تحت پروتکل همکاری میان دولت‌ها انجام می‌گیرد. سخن ما این است که کمک‌های اقتصادی و بهداشتی و رفاهی هم به این صورت باشد که پرچمدار خدمت در جلوی قافله خود عراقی‌ها باشند و کمک دیگران در سایه باشد. به جای برپایی موبک در کنار جاده، یک سوله در حاشیه ساخته شود تا مثلاً پتوهای موبک را شستشو دهند. یا کامیون‌های آب‌اهدایی در میان موبک‌های عراقی تقسیم شود. ده‌ها نوع خدمات دیگر از این دست نه تنها آسیب‌زا نیستند که موجب همدلی بیشتر و علاقه شدیدتر میان میزبان و میهمان خواهد شد.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که برای کاهش هزینه‌های سنگین که به‌طور یقین سال به سال بیشتر خواهد شد، باید راهکاری پیدا کرد، چون علاوه بر هزینه‌های آشکار، هزینه‌های پنهانی وجود دارد که از آن غافل هستیم، مثل خدمات پزشکی که با توجه به گرمای شدید تابستان عراق مسئله قابل تامل است. ساده‌ترین راهکاری که البته نیاز به فرهنگ‌سازی دارد، این است که کمیت و کیفیت زیارت اربعین باید توسط زائرین مشتاق، مدیریت شود. منظور این است که هم تعداد روزهای

حضور در عراق را مدیریت کنند، هم‌زمان اربعین را به جای یک روز به چند روز توسعه دهند. این توسعه روز در شرایط خاص مورد تأکید مراجع معظم تقلید نیز قرار گرفته است.

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی فرموداند: «در صورتی که بعضی از زائران محترم بر اثر ازدحام زیاد نتوانند روز اربعین زیارت کنند، مانعی ندارد که به جای آن، قبل یا بعد آن زیارت کنند و ان شاء الله قبول است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵/۰۸/۱۳). آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی معتقدند که زیارت اربعین به همان روز خاص مربوط است؛ لکن اگر قبل از اربعین به جهت رفع مشکل در ازدحام جمعیت، زیارت را به جای آورند، ثواب زیارت را می‌برند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵/۰۸/۱۳). حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در پاسخ به این پرسش که با توجه به جمعیت و ازدحام شدید عزاداران حسینی در روز اربعین و حتی قبل و پس از آن در کربلای معلی، آیا زیارت اربعین چند روز قبل یا پس از روز اربعین، همان ثواب را دارد؟ فرمودند: «انجام زیارت سید الشهداء علیه السلام در هر زمانی، مستحب و دارای ثواب عظیم است؛ ولی ثواب زیارت زمان خاص، مختص به انجام زیارت در همان زمان است؛ البته زیارت کردن قبل یا بعد از آن، به امید رسیدن به آن ثواب مخصوص، مانعی ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۸/۱۱).

۳. غفلت از یافته‌های اربعینی

بی‌تردید زیارت جمعی اربعین یافته‌های پنهان و آشکار زیادی دارد که تا به امروز در تحقیقات و آثار بجای مانده از محققین اربعین‌پژوه، گوشه‌ای از آن به تصویر کشیده شد. این حقیقت را نیز نباید از نظر دور داشت که این برکات و یافته‌ها، اگر مبتلا به محدودیت زمانی شود، نه تنها وجود آن برکات در جان و جسم زائرین کم‌رنگ، بلکه حتی ممکن است آسیب‌زا هم باشد. یکی از آن آسیب‌های زیارت جمعی اربعین این است که زائرین تمام حس و حال خود را محدود به همان ایام خاص کرده و این حالت را در دیگر ایام زندگی ساری و جاری نکنند. اگر همبستگی و همدلی یافته این سفر

معنوی بود نباید پس از برگشت، حتی گاه در میان راه رنگ و روی دیگر بگیرد؛ اگر سبک زندگی را تغییر داده و در ایام زیارت، دل‌بریدن از همه دارایی‌ها و دلبستگی‌ها تمرین کرده و بدون دغدغه در دالان بزرگ حسینی طی طریق می‌کرد، در ادامه زندگی اگرچه در میان داشته‌های خود بسر می‌برد اما دل به آن خوش نکرده و برای حفظ و ازدیاد آن راه انصاف و دستورات نجات‌بخش دینی را نادیده نگیرد و بداند که باید همچنان نور معرفت حسینی را بر امورات خود تابان نگه دارد. چون در آموزه‌های دینی و فرهنگ علوی تداوم عمل، از خود عمل مهم‌تر است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعَمَلِ أَدْوَمُهُ وَإِنْ قَلَّ؛ برترین عمل، با دوام‌ترین آنهاست هر چند اندک باشد (ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۱۵۸).

گاهی افراد کاری را با شوق زیاد شروع می‌کنند؛ اما پس از مدتی در برابر آن سست شده و گاه رها می‌کند. البته تأثیر آن عمل نیز کم و یا از دست خواهد رفت، مثلاً در تعلیم و تعلم استعداد زیاد، انسان را به جایی نمی‌رساند، آنچه فرد را به درجه بالا می‌رساند مداومت بر عمل است، حتی آنها که استعداد خوب دارند با پشتکار در عمل به جایی می‌رسند نه فقط با استعداد! مداومت بر عمل، گرچه در ابتدا سخت است؛ ولی بسیار در تصمیم‌گیری‌های زندگی مؤثر است، زیرا خود پشتکار و مداومت، ریاضتی برای نفس است و او را در حوادث روزگار و کشاکش آن ورزیده می‌کند، عمل زیاد بی‌محتوی که موجب خستگی شده و سرانجامی جز سرخوردگی از عمل ندارد. از روایات استفاده می‌شود «قَلِيلٌ تَدْوَمُ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ؛ عمل کم مداوم، بهتر از عمل زیادی است که موجب ملالت و خستگی و افسردگی شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۱۰). از ام سلمه پرسیده شد چه عملی محبوب‌تر نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بود؟ گفت: «مَا دِيمَ عَلَيْهِ وَإِنْ قَلَّ؛ عملی که مداومت بر او شده گرچه کم باشد (عبدالعظیم بن عبد القوی المنذری، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۸۲). امام صادق علیه السلام هم فرمودند که امام سجاد علیه السلام بسیار می‌فرمودند: «إِنِّي لِأَجِبُّ أَنْ أَدَاوِمَ عَلَى الْعَمَلِ وَإِنْ قَلَّ؛ من دوست دارم مداومت بر عمل کنم گرچه کم باشد» (شیخ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۲).

در سیره علمای بزرگ شیعه، مداومت بر عمل سیره علمای بزرگ شیعه بوده است؛

به عنوان نمونه مرحوم حاج محمد ابراهیم کلباسی که از معاصران مرحوم میرزای قمی و سید شفتی و از شاگردان بحرالعلوم و صاحب ریاض و... است آورده‌اند: شب قدر را با عبادت ادراک کرد، زیرا مدت یک سال، شب تا صبح عبادت کرد و معلوم است که شب قدر از شب‌های سال بیرون نیست (تکابنی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۳). در شرح حال شیخ انصاری نوشته‌اند، «عباداتی که شیخ از سن بلوغ تا آخر عمر به آنها ادامه می‌داد، گذشته از فرائض و نوافل شبانه‌روزی و ادعیه و تعقیبات عبارت بودند از: قرائت یک جزء قرآن و نماز حضرت جعفر طیار و زیارت جامعه و عاشورا در هر روز» (مختاری، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۶۷). در احوالات امام امت هم نقل شده که زیارت جامعه در هر شب برای حضرت مولی‌الموحدین علیه السلام را در نجف فراموش نکردند و حتی وقتی هوا مناسب نبود و نمی‌توانستند به حرم مشرف شوند، پشت‌بام رفته و آن حضرت را زیارت می‌کردند.

البته این آسیب فقط متوجه زائرین ایام اربعین نیست؛ مردم و موکب‌داران و ارائه‌دهندگان خدمات به زائرین اربعینی نیز نباید روحیه ایثارگرایانه و اخلاق زیبا و مهربان خود را منحصر و محدود به سه هفته منتهی به اربعین نکرده و پس از گذشت آن ایام نورانی، در دیگر ایام سال رفتارشان را در برابر زائرین عتبات عالیه به نحو محسوسی تغییر دهند؛ به گونه‌ای نباشد که زائرین شک کنند که آنها همان میزبانان خوش اخلاق ایام زیارت اربعین بودند! صدالبته منظور این نیست که بخواهند مثل آن ایام خدمات مجانی در اختیار زائرین قرار دهند، بلکه خوش رفتاری و رعایت انصاف در مراودات مادی و معنوی را باید دستور کار خود قرار داده و نشان دهند که نه تنها ارادت و محبت آنها به سیدالشهدا و ائمه معصومین علیهم السلام خفته در خاک عراق امری دائمی است، بلکه خوش رفتاری آنان نسبت اهل بیت علیهم السلام نیز محدود به ایام اربعین نیست.

نتیجه‌گیری

در این کاوش اربعینی، به عنوان یک کارشناس مذهبی و محقق اجتماعی، بنابر وظیفه حرفه‌ای، به اندازه توان دانشی خود برای صیانت از این عنایت بزرگ حسینی علیه السلام، آسیب‌هایی را که متوجه این پدیده الهی بوده و یا می‌تواند باشد، را مورد توجه قرار

داده و بدانیم که به یقین دشمنان در برابر دست‌آورد‌های بزرگ دینی بی‌تفاوت نبوده و به اندازه توان خود در جهت تضعیف و از کار انداختن آن تلاش می‌کنند. البته برخی از این آسیب‌ها به شیطان درون‌زائترین و پدید‌آوردگان این واقعه عظیم برمی‌گردد، مثل سطحی‌نگری و مبتلا شدن به مناسک‌گرایی که پیامدش نبود تأمل و تعمق در ارزش‌های الهی و آموزه‌های حسینی و نسخه حیات‌بخشی است که سیدالشهدا علیه السلام با مجاهدت و ایثار خود و یاران باوفایش، آن را امضا کرده و در اختیار تشنگان حقیقت و طریقت گذاشته است.

بعضی از آسیب‌ها نیز از سوی دشمنان و زیاده‌خواهانی رقم می‌خورد که این عطیه الهی را خطر بزرگی در برابر اندیشه سکولاری و شعار مرگ خدا، آسیب‌هایی مثل ایجاد تفرقه و شکاف فکری و فرهنگی در میان جامعه اربعینی، با برنامه‌ریزی دقیق و صرف هزینه‌های سنگین توسط بدخواهان منطقه و جهان انجام شده تا در صورت امکان مانع برگزاری باشکوه و عظیم زیارت اربعین شوند؛ چنانچه وهابیت منطقه، در شبکه‌های تبلیغی خود از طریق شبهه‌افکنی درباره اصل زیارت قبور و بدعت خواندن پیاده‌روی اربعین، علیه این پدیده جهانی تلاش می‌کند تا مانع برگزاری آن شود؛ اما اگر نتوانند همان‌طوری که تا بحال هم نتوانسته‌اند، دنیا شاهد گسترده‌گی هر ساله این زیارت با برکت است؛ فعالیت‌های خود را صرف از بین بردن ره‌آورد‌های معنوی و ارزشی جامعه اربعینی می‌کنند. مثل آنچه که انگلیس در اختیار گذاشتن امکانات مالی و رسانه‌ای، تلاش می‌کند تفکر شیعه انگلیسی را وارد جامعه شیعی کند تا بتواند برکات زیارت اربعین را از میان بردارد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

اسلامی، علی. (۱۳۹۷). خطر جدی حضور فرقه‌های انحرافی در پیاده‌روی اربعین. خبرگزاری بین‌المللی قرآن کریم.

الحر العاملی، محمد بن الحسن. (بی‌تا). وسایل الشیعه (ج ۱۱). بی‌جا: منشورات مکتبه الاسلامیه.

الشیخ الكلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۲، المصححان: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: دارالکتب الإسلامیه.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غررالحکم و درر الکلم (محقق و مصحح: سیدمهدی رجائی). قم: دارالکتب الإسلامیه.

تنکابنی، محمد بن سلیمان. (۱۴۱۳ق). قصص العلماء (مترجم: شیخ مالک وهبی). بیروت: دارالمحجّة البيضاء، دارالرسول الاکرم ﷺ.

جهانگیر، اکرم؛ مفتون، فرزانه. روان‌شناسی زیارت و نقش آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی؛ سایت گزارش، ش ۲۶۰، صص ۲۱-۲۳.

خزّانی، ابن شُعبه. (۱۳۷۶). تحف العقول (سخنان چهارده معصوم؛ مترجم: محمدصادق حسن‌زاده). قم: انصاریان.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۶/۰۸/۱۱). احکام زیارت اربعین. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=38084>.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱/۰۵/۰۵). بیانات: در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50689>.

خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»؛ ۱۸ آبان ۱۳۹۶.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۵/۰۸/۱۳). پاسخ مراجع عظام تقلید به ۲ پرسش درباره زیارت اربعین/تاکید بر رعایت قوانین و مقررات. برگرفته از سایت:

www.irna.ir/xjhvqB

خبرگزاری مهر. (۱۴۰۱/۶/۱۳). ضرورت شناخت فرهنگ مردم عراق در سفر اربعین.

خوارزمی، محمد بن احمد. (۱۴۲۳ق). مقتل الحسين عليه السلام (ج ۱). قم: انوار الهدی.

ری شهری، محمد. (۱۴۱۶ق). میزان الحکمة. قم: دار الحدیث.

عبد العظیم بن عبد القوی المنذری، أبو محمد. (۱۴۱۷ق). الترغیب و الترهیب من الحدیث

الشریف (ج ۴، محقق: ابراهیم شمس الدین). بیروت: دارالکتب العلمیة.

علامه مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). بحارالانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیة.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی (ج ۲، محقق و مصحح: سیدهاشم رسولی

محلّاتی). تهران: المطبعة العلمیة.

کوئن، بروس. (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی (مترجمان و اقتباس: توسلی و فاضلی). تهران:

انتشارات سمت.

مختاری، رضا. (۱۳۸۶). سیمای فرزندگان (ج ۳). قم: موسسه بوستان کتاب.

مریجی، شمس‌الله. (۱۳۸۷). فرهنگ و نوآوری. مجله معرفت، ش ۱۲۶، صص ۳۵-۵۰.

مریجی، شمس‌الله. (۱۴۰۱). تبیین جامعه‌شناختی زیارت اربعین و کارکردهای اجتماعی آن.

مجله اسلام مطالعات اجتماعی، ش ۳۸، صص ۷-۳۲.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (ج ۲، تنظیم: اکبر خادم‌الذاکرین).

قم: نسل جوان.

نجاتی، محمدسعید. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی میدانی مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی از زاویه

فرهنگ زیارت در اسلام. فصلنامه فرهنگ زیارت، ۸(۳۱)، صص ۱۶۷-۱۸۴.

References

* Holy Quran

- Abd al-Aziz b. 'Abd al-Qawi al-Mundhiri, A. M. (1996). *Al-Tarhib wa al-Tarhib min al-Hadith al-Sharif* (Vol. 4, E. Shams al-Din, Ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
- Al-Hurr al-Amili, M. (n.d.). *Wasā'il al-Shī'ah* (Vol. 11). [In Arabic]
- Allameh Majlesi, M. B. (2007). *Bihar al-Anwar*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Al-Shaykh al-Kulaynī, M. (1988). *Al-Kāfī* (Vol. 2, A. A. Ghafari & M. Akhundi, Ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Ayashi, M. b. Mas'ud. (2001). *Tafsir al-Ayashi* (Vol. 2, S. H. Rasouli Mahalati, Ed.). Tehran: Al-Matba'ah al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Eslami, A. (2018). *The serious danger of deviant sects in Arba'een pilgrimages*. International Quran News Agency. [In Persian]
- Harani, I. Sh. (1997). *Tuhaf al-Uqūl* (Sayings of the Fourteen Infallibles; M. S. Hassanzadeh, Trans.). Qom: Ansariyan Publications. [In Arabic]
- Iranian Students News Agency (ISNA). (2017, November 9). [In Persian]
- Jahangir, A., & Maftun, F. (2023). Psychology of pilgrimage and its role in reducing social harms. *Report Magazine*, 260, pp. 21-23. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2017, August 11). Rulings on Arba'een pilgrimage. From: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=38084> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2022, May 5). Statements in a meeting with Friday prayer leaders from across the country. From: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50689> [In Persian]
- Kharazmi, M. b. A. (2002). *Maqatal al-Ḥusayn* (Vol. 1). Qom: Anwar al-Huda. [In Arabic]
- Makarim Shirazi, N. (2006). *Ethics in Nahj al-Balagha* (Vol. 2, A. Khadem al-Zakerin, Ed.). Qom: Nasl-e Javan. [In Arabic]

- Mariji, Sh. (2008). Culture and innovation. *Knowledge Magazine*, 126, pp. 35-50. [In Persian]
- Mariji, Sh. (2022). Sociological analysis of Arba'een pilgrimage and its social functions. *Journal of Islamic Social Studies*, 38, pp. 7-32. [In Persian]
- Mehr News Agency. (2022, June 3). The necessity of understanding Iraqi culture during the Arba'een journey. [In Persian]
- Mokhtari, R. (2007). *Simaye Farzanegan* (Vol. 3). Qom: Bustan-e Ketab Institute. [In Persian]
- Nejati, M. S. (2017). Field study of the Arba'een pilgrimage ceremony from the perspective of Islamic pilgrimage culture. *Journal of Pilgrimage Culture*, 8(31), pp. 167-184. [In Persian]
- Quinn, B. (1993). *Foundations of Sociology* (Tawasoli., & Fazeli, Trans.). Tehran: Samt Publications. [In Persian]
- Response of the Grand Jurisprudents to two questions about Arba'een pilgrimage/Emphasis on adhering to laws and regulations. (2024). Retrieved from: www.irna.ir/xjhvqB [In Persian]
- Rey Shahri, M. (1995). *Mizan al-Ḥikmah*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Tamimi Amadi, A. b. M. (1990). *Ghurur al-Ḥikam wa Durar al-Kalim* (S. M. Raja'ei). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
- Tonekaboni, M. (1992). *Qisas al-Ulama* (M, Wahabi, Trans.). Beirut: Dar al-Mahajja al-Bayda', Dar al-Rasul al-Akram. [In Arabic]